



## Studying the argument in challenging verses (Tahaddi) in argumentation theory



Doi:10.22067/jallv13.i2.82099



Shadi Dogani

PhD in Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Azam Estaji<sup>1</sup>

Associate Professor in Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Hosein Seyedi

Professor in Arabic Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 22 July 2020

Accepted: 29 December 2020

### Abstract

The purpose of this study is to examine the arguments used in Tahaddy verses based on Douglas Walton's (2008) framework. In this study, we contrast the arguments presented by Tahaddy verses with Douglas Walton's (2008) arguments, and then examine each argument in turn. Muslims believe that God, as the creator of man and the absolute universe, provides the best argument for convincing people, so it seems crucial to examine the arguments in the Qur'an and make them known for their own benefit. Therefore, it is necessary to examine these arguments, since the results of this research might lead to a deeper and more accurate understanding of human logic based on God's knowledge of man. It is known that God asks the polytheists in five verses if they claim this Qur'an is a human word (and the word of the Prophet himself), then bring even one verse like them. These verses are called Tahaddy in the Qur'an. This type of argument seems to be a unique and exclusive type of argument that does not fit into Walton's context due to its idiomatic meaning. Following our review of the Tahaddy verses and comparison with Walton's argument schemas, the study came to the conclusion that the argument used in the Tahaddy did not correspond to any of the sixty cases Walton introduced. Therefore, we introduced Tahaddy as a new argument to this model with a new scheme.

**Keywords:** Quran, Tahaddy (challenge), Argument, Argument Schemas.

<sup>1</sup>. Corresponding author. Email: estajiz@yahoo.com



## بررسی استدلال تحدی در چارچوب نظریه استدلال‌ورزی



(پژوهشی)

شادی دوگانی (دکتری زبان‌شناسی گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران)

اعظم استاجی (دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

سید حسین سیدی (استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران)

Doi:10.22067/jallv13.i2.82099

## چکیده

هدف از انجام این پژوهش مطالعه و تحقیق بروی استدلال‌های به‌کاررفته در آیات تحدی بر اساس چارچوب معرفی‌شده داگلاس والتون<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) است. در این پژوهش استدلال‌های آیات تحدی را با استدلال‌های پیشنهادی والتون (۲۰۰۸) مقایسه، و سپس به بررسی نتایج حاصل از آن پرداخته‌ایم. والتون در حوزه فلسفه به بررسی انواع استدلال‌های مورد استفاده در بافت‌های مختلف پرداخته است و شاکله‌هایی برای هرکدام از این استدلال‌ها طرح‌ریزی کرده است. قصد ما بررسی استدلال در بافت قرآنی و به‌ویژه استدلال مستتر در آیات تحدی است. از آنجایی که به باور مسلمانان بهترین استدلال برای انسان‌ها از جانب خداوند مطرح می‌شود بررسی استدلال‌های قرآن و به‌طور خاص آیات تحدی به‌عنوان یکی از راه‌های اقناع منطقی انسان و مقایسه با انواعی که توسط انسان‌ها مطرح می‌شود ضروری به نظر می‌رسد. نتایج این بررسی می‌تواند بیانگر نوعی نگاه روان‌شناختی از روحیات و منطق انسان باشد که علم خداوند به آن احاطه دارد و به انسان‌شناسی عمیق‌تر و صحیح‌تر بیانجامد. می‌دانیم که خداوند در قرآن در پنج آیه به همانند طلبی سخنی مانند قرآن پرداخته است و از مشرکان خواسته است که اگر ادعا دارید که این قرآن سخن بشری (و گفته‌ی شخص پیامبر) است پس مانند آن را بیاورید. به این‌گونه آیات تحدی گفته می‌شود. به نظر می‌رسد این نوع استدلال نوعی منحصربه‌فرد از انواع استدلال‌ها باشد که با توجه به معنای اصطلاحی آن در چارچوب والتون جای نداشته باشد. در این پژوهش پس از بررسی آیات مربوط به تحدی و مقایسه آن‌ها با هرکدام از طرحواره‌های والتون به این نتیجه رسیدیم که استدلال به‌کاررفته در تحدی با هیچ‌یک از شصت مورد طرحواره‌ی استدلال معرفی شده توسط والتون مطابقت نداشته است و بنابراین آن را به‌عنوان استدلالی با طرحواره‌ی جدید به این مدل معرفی کردیم.

کلیدواژه‌ها: قرآن، استدلال، تحدی، طرحواره‌های استدلال<sup>۳</sup>.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۹

<sup>۱</sup> رایانامه نویسنده مسئول: estajiz@yahoo.com<sup>۲</sup> Douglas Walton<sup>۳</sup> argumentation schemes

## ۱. مقدمه

توجه به استدلال و بررسی انواع آن از زمان ارسطو وجود داشته است. از همان زمان که ماهیت و چیستی زبان مورد توجه عالمان و فیلسوفان قرار گرفت استدلال هم به عنوان نوعی از کاربردهای زبان تحت بررسی اندیشمندان حوزه فلسفه قرار گرفت و از آنجایی که بحث وجدل میان فیلسوفان همیشه داغ بوده است بنابراین روش‌های اقناع طرف مقابل، چگونگی بیان ادعا و همچنین نحوه استفاده از کلام برای اثبات درستی عقیده همواره شایان توجه این گروه بوده است. البته این هرگز به این معنی نمی‌باشد که مردم عادی از کاربرد استدلال بی‌بهره بوده‌اند؛ بلکه نیک می‌دانیم که این گونه کاربرد کلام همیشه و در همه جا استفاده می‌شود.

آنچه در استدلال اهمیت دارد، رابطه دوسویه‌ایست که وجود دارد. به این معنی که در استدلال همواره طرفی که خود را برحق می‌داند ابتدا به معرفی عقیده خود می‌پردازد و در هنگام مواجهه با فرد یا افرادی که نظر وی را قبول نمی‌کنند با بیان استدلال سعی در قبولاندن نظر خویش می‌کند. پیامبران ادیان الهی نیز از جمله افرادی هستند که همواره ادعای حقانیت داشته‌اند و به همین ترتیب با آوردن انواع استدلال‌ها به دعوت دین خود پرداخته‌اند و آنجا که استدلال‌ها کافی نبوده با اذن الهی با آوردن معجزه‌هایی به اثبات حقانیت خویش می‌پرداختند.

در نگاه نخست به نظر می‌رسد که اولین و مهم‌ترین دلیل استفاده از زبان ادبی در قرآن به ماهیت ویژه و منحصر به فرد پیام‌ها و مفاهیم آن بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، روش بیان یک پیام به اندازه خود پیام اهمیت دارد. به هر حال، الگوها و ترفندها یا به تعبیر علم بلاغت، صنایع مختلفی برای ارائه غیرمستقیم مفاهیم و مطالب وجود دارد (کفاش زاده ۱۳۹۹: ۲۳). با توجه به اینکه به عقیده ما مسلمانان، قرآن معرفی کننده آخرین دین الهی از سوی پروردگار می‌باشد، استدلال‌های به کارگرفته شده در آن باید بسیار قوی باشد تا بتواند انسان‌های زیادی را تا آخر الزمان به این دین متقاعد کند. بنابراین شناخت اصول و فاکتورهای زبانی استدلال‌های قرآنی ضروری به نظر می‌رسد.

وجود استدلال در قرآن گاه به صورت کاملاً واضح (سوره انعام/ آیات ۷۶-۷۹ مربوط به استدلال‌های حضرت ابراهیم) و گاه به صورت پنهان، بر کسی پوشیده نیست. عموماً پیامبران برای متقاعد کردن انسان‌ها به دین الهی مبعوث شده‌اند. حال اینکه این کار (اقناع مردم) به وسیله چه استدلال‌هایی صورت می‌گیرد جای سؤال است. با وجود اینکه این مورد بیشتر در حوزه فلسفه مطرح شده است، لیکن بررسی استدلال موجود در آیات تحدی در قرآن به عنوان یکی از متون مذهبی بر اساس چارچوب‌های زبان‌شناختی به روز و با در نظر گرفتن عوامل زبانی و با تکیه به علم زبانشناسی، موضوع جدید و تازه‌ای است که در این پژوهش با مطالعه آیات تحدی به عنوان یکی از انواع استدلال به کاررفته در قرآن قصد انجام آن را داریم.

قرآن که به عقیده ما مسلمانان سخنان بدون تحریف الهی می‌باشد و نیز معجزه رسول خاتم معرفی شده است، برای جلب اعتماد مردم از استدلال‌های منطقی بهره برده است و از جمله آیاتی که بررسی استدلال در آن جالب توجه می‌باشد، آیات محدود تحدی است که در این مقاله سعی به انجام آن داریم. در این پژوهش ابتدا نگاهی به سابقه بررسی‌های

صورت گرفته درباره‌ی استدلال می‌اندازیم در ادامه به معرفی طرحواره‌های والتون می‌پردازیم سپس آیات تحدی را مورد واکاوی قرار خواهیم داد. در پایان نیز استدلال به کار رفته در این آیات را با توجه به چارچوب پیشنهادی والتون بررسی می‌کنیم.

## ۲. پیشینه مطالعات استدلال

همان‌طور که گفته شد استدلال به‌طور مفصل در حوزه فلسفه و در شاخه منطق از زمان ارسطو مورد بررسی قرار گرفته است. ارسطو در کتاب بلاغت<sup>۴</sup> سه جنبه بلاغت را از هم متمایز می‌کند: لوگوس<sup>۵</sup>، پتوس<sup>۶</sup> و اتوس<sup>۷</sup>. لوگوس در واقع بررسی خود گفتار است که جنبه‌های ساختاری استدلال‌ها، مفهوم و اعتبار منطقی آن را مورد نظر قرار می‌دهد. پتوس بر جنبه‌های احساسی گفتار بیشتر تمرکز می‌کند. به‌عنوان مثال هنگامی که شخصی با برانگیختن احساسات طرف مقابل وی را تحت تأثیر قرار بدهد و مجاب به پذیرش نتیجه کند با تکیه بر پتوس به هدف خود رسیده است. و در نهایت اتوس که اعتبار گوینده سخن را می‌سنجد. به این ترتیب که اعتبار سخن را اعتبار شخصیت گوینده در نظر می‌گیرند و اعتبار استدلال همان اعتبار گوینده می‌باشد (ایمرن و گروتندورست<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴: ۴۲).

اما نظریه‌های جدید استدلال به نیمه دوم قرن بیستم و کتاب بلاغت جدید<sup>۹</sup> اثر پرلمن و البرشت تیتکا<sup>۱۰</sup> برمی‌گردد. از آن زمان بر روی منطق و استدلال پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که از جمله معرفی نظریه استدلال‌ورزی<sup>۱۱</sup> می‌باشد.

استدلال‌ورزی در لغت به معنای ارائه دلیل برای پذیراندن یک نتیجه است و با دلیل‌آوری از این جهت تمایز دارد که در دلیل‌آوری، لزومی به وجود شخص مقابل نیست و هرکسی می‌تواند در ذهن خود دلیل‌آوری داشته باشد اما در استدلال حتماً وجود دو طرف لازم است. در واقع شخص با استدلال می‌خواهد شخص دیگری را وادار به پذیرفتن یک ادعا بکند. بنابراین می‌توان گفت که استدلال‌ورزی امری دوطرفه است. ایمرن و گروتندورست استدلال‌ورزی را چنین تعریف می‌کنند: «استدلال‌ورزی فعالیتی زبانی، اجتماعی و عقلانی است که هدفش متقاعد کردن یا تکذیب کردن یک عقیده و نظر است و شامل طرح یک سری از گزاره‌ها برای مجاب کردن طرف مقابل برای پذیرش یا انکار عقیده مورد نظر می‌باشد» (ایمرن و گروتندورست، ۲۰۰۴: ۱).

<sup>۴</sup> *Rhethoric*

<sup>۵</sup> logos

<sup>۶</sup> pathos

<sup>۷</sup> ethos

<sup>۸</sup> Eemeren, Frans H. van, and Grootendorst, Rob

<sup>۹</sup> *New Rhetoric*

<sup>۱۰</sup> Perelman, Chaim, and Olbrechts-Tyteca, Lucie

<sup>۱۱</sup> argumentation theory

در همین راستا تولمین<sup>۱۲</sup> مدل هندسی‌ای را در تحلیل‌های استدلال معرفی می‌کند که شامل شش جز است: داده (فرض)، ادعا (نتیجه)، ضمانت (رابطه بین داده و ادعا)، پشتوانه، کیفیت‌نما و تقابل (لاک<sup>۱۳</sup> ۲۰۱۱: ۸۶). در این‌گونه تحلیل‌ها استدلالی درست و کامل و قابل قبول است که هر شش رکن به‌خوبی در جای خود قرار گرفته باشند. از طرفی ارزیابی استدلال را جیسون و بلر براساس سه فاکتور مهم زیر تشخیص داده‌اند:

۱. مقبولیت پیش فرضها

۲. ارتباط میان پیش فرضها

۳. اینکه آیا پیش فرض گفته شده دلایل کافی برای پذیرش نتیجه را بیان می‌کند یا خیر؟ (جیسون و بلر، ۱۹۹۴: ۳۴)<sup>۱۴</sup>.

آنها از واژه‌ی بسنده<sup>۱۵</sup> برای تعریف استاندارد توفیق یک استدلال استفاده کرده‌اند.

**Cogency** در لغت به معنای قدرت عقیده می‌باشد. به نظر ایشان یک استدلال زمانی دارای بسندگی است اگر و فقط اگر هر سه شرط بالا را با هم داشته باشد. (همان: ۳۶)

والتون اما در نقد این سه شرط، شرط چهارمی هم به آنها اضافه کرده است:

اینکه هیچ دلیل بهتری در جهت رد نتیجه مورد نظر بیان نشده باشد:

**There are no known better reasons for opposite conclusion (walton ۲۰۰۱).**

اهمیت و توجه به بسندگی استدلال با ذات چالش برانگیز و مجادله‌ای استدلال مرتبط می‌باشد و به این خاطر است که اصولاً استدلال به صورت یک طرفه نیست و آنچه مهم است متقاعد کردن طرف مقابل می‌باشد. در چنین وضعیتی گاهی قبول فرض‌هایی که بر آن اساس استدلال به نتیجه می‌رسد لزوماً به معنی بسندگی برای پذیرش نتیجه نیست حتی اگر بین فرضیات و نتیجه ارتباط هم باشد. بنابراین وجود هر سه شرط در این مورد الزامی به نظر می‌رسد.

### ۳. مطالعات والتون

در این میان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان استدلال‌ورزی در شاخه‌ی منطق غیرصوری، داگلاس والتون، نظریه‌پرداز و منطق‌دان کانادایی است. والتون بر وارد کردن بافت در تحلیل و ارزیابی استدلال‌ها تأکید دارد. وی برای گفتگو انواعی قائل شده است و آن را بر شش نوع می‌داند:

۱- اقناع ۲- واری ۳- مذاکره ۴- اطلاعات جویی ۵- ژرف‌اندیشی ۶- مناقشه

والتون در ۱۹۹۶ برای اولین بار طرحی را در جهت تحلیل استدلال معرفی کرد به نام «طرحواره‌های استدلال» که قابلیت نمایش چگونگی ارتباط میان پیش فرض‌ها و نتیجه را در ساختار استدلال دارد. از ویژگی‌های مهم این طرح، ارزیابی

<sup>۱۲</sup> Toulmin, Stephen E

<sup>۱۳</sup> Lock

<sup>۱۴</sup> Jason & Blair

<sup>۱۵</sup> cogency

استدلال‌ها و نیز نمایان کردن پیش فرض‌های پنهان هر استدلال است. در این اثر والتون بیست و چهار طرحواره را معرفی می‌کند که در سال‌های بعد این تعداد به شصت طرحواره می‌رسد.

از این طرحواره‌ها در تحلیل موضوعات گوناگونی بهره برده شده است. از جمله فابریزیو<sup>۱۶</sup> (۱۹۹۸) با همکاری والتون به بررسی نقش این طرحواره‌ها در آموزش پرداخته است.

در تکمیل این طرح والتون برای هر یک از طرحواره‌ها یک سری سؤالات انتقادی طرح کرده است که ارزیابی استدلال‌ها را بر عهده دارند. در واقع به هر میزانی که یک استدلال بتواند پاسخ شایسته‌ای برای این پرسش‌ها داشته باشد، استدلالی خوب و قوی محسوب می‌شود.

تأکید والتون بر تأثیر بافت در استدلال منتهی به مطالعات کاملاً تخصصی استدلال در حوزه‌های مختلف شد. وی علاوه بر بررسی استدلال‌های رایج گفتمان، استدلال را در انواع گفتمان و در زمینه‌های متفاوتی همچون بافت‌های علمی و بافت‌های حقوقی به صورت تخصصی مورد مطالعه قرار داد که باعث ابداع اصطلاحاتی چون استدلال‌ورزی حقوقی و استدلال‌ورزی علمی در آثارش شد (والتون و دیگران ۲۰۰۸:۱۰).

از نظر والتون اگر استدلالی مطرح شود و پیش فرض‌هایش توسط مخاطب پذیرفته شود، مخاطب ناگزیر به پذیرش نتیجه آن استدلال است (والتون و دیگران ۲۰۰۸: ۹). البته این پذیرش مشروط است. اگر مخاطب یکی از سؤالات انتقادی مرتبط با آن طرحواره را بپرسد و استدلال کننده پاسخ مناسب و قانع کننده‌ای نداشته باشد، آن استدلال با شکست مواجه خواهد شد (همان ۹). والتون و دیگران (۲۰۰۶) یک فهرست شصت تایی از این طرحواره‌ها را ارائه داده‌اند و برای هر کدام هم یک سری سؤالات انتقادی مطرح کرده‌اند. لیست معرفی شده این طرحواره‌ها در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد. (جدول لاتین پیوست می‌باشد)

۱- استدلال بر مبنای فرد مطلع	۲- اس ب م <sup>۱۷</sup> نظر کارشناس
۳- اس ب م گواهی شاهدان	۴- اس ب م عقیده عموم
۵- اس ب م عمل عامه مردم	۶- اس ب م مثال
۷- اس ب م معرفت شناسی	۸- خرد عملی بر مبنای معرفت
۹- اس ب م ترکیب	۱۰- اس ب م بخش بندی
۱۱- اس ب م تضاد	۱۲- استدلال بلاغی بر مبنای تضاد
۱۳- اس ب م جایگزین‌ها	۱۴- اس ب م طبقه بندی کلامی
۱۵- اس ب م تعاریف طبقه بندی کلامی	۱۶- اس ب م ابهام یک طبقه بندی کلامی
۱۷- اس ب م قراردادی بودن طبقه بندی کلامی	۱۸- اس ب م تداخل عمل و شخص
۱۹- اس ب م ارزش‌ها	۲۰- اس ب م فداکاری

<sup>۱۶</sup> Fabrizio, M

<sup>۱۷</sup> از این پس از سرواژه‌های عبارت ( استدلال بر مبنای ) جهت خلاصه سازی جدول استفاده می‌شود.

۲۱- اس ب م گروه و اعضای آن	۲۲- خرد عملی
۲۳- خرد عملی دوجانبه	۲۴- اس ب م بیهودگی
۲۵- اس ب م هزینه های انجام شده	۲۶- اس ب م تغافل
۲۷- استدلال شناختی بر مبنای تغافل	۲۸- اس ب م علت و معلول
۲۹- اس ب م همبستگی علت	۳۰- اس ب م نشانه
۳۱- طرحواره های استدلال ورزی قیاسی	۳۲- اس ب م شواهد فرضیه
۳۳- اس ب م نتایج	۳۴- استدلال کاربردی بر مبنای جایگزین ها
۳۵- اس ب م تهدید	۳۶- اس ب م فرار از ترس
۳۷- اس ب م فرار از خطر	۳۸- اس ب م نیاز به کمک
۳۹- اس ب م اضطرار	۴۰- اس ب م الزام
۴۱- استدلال رفتاری	۴۲- مغالطه عمومی شخصی ستیزی
۴۳- تضاد کاربردی	۴۴- اس ب م الزام متناقض
۴۵- استدلال شخص-بنیاد	۴۶- اس ب م سو گیری
۴۷- سوگیری شخص بنیاد	۴۸- اس ب م تدریج گرایی
۴۹- استدلال شیب لغزان	۵۰- استدلال سابقه شیب لغزان
۵۱- استدلال نظم های شیب لغزان	۵۲- استدلال کلامی شیب لغزان
۵۳- استدلال شیب لغزان کامل	۵۴- اس ب م ادعاهای قوانین ضروری
۵۵- اس ب م قواعد	۵۶- استدلال برای یک مورد استثنا
۵۷- اس ب م سابقه	۵۸- اس ب م درخواست عذر
۵۹- اس ب م قوه درک	۶۰- اس ب م حافظه

بعضی از این طرحواره‌ها زیر مجموعه‌های یکدیگر هستند. به عنوان مثال طرحواره‌ی نظر کارشناس (expert opinion شماره ۲) زیر مجموعه‌ی طرحواره‌ی استدلال بر مبنای منبع اطلاعات (position to know) (شماره ۱) قرار دارد.

حال برای آشنا شدن با چگونگی شکل گیری این طرحواره‌ها، در این قسمت طرحواره استدلالی مبتنی بر نظر کارشناس را از والتون (۲۰۰۳) به عنوان مثال می‌آوریم:

موقعیتی را در یک رستوران فرض کنید: هلن و باب درباره عمل "انعام دادن" گفتگو می‌کنند. هلن با این موضوع یعنی پرداخت انعام کاملاً مخالف است.

در این موقعیت هلن استدلال زیر را برای رسیدن به این نتیجه که "انعام دادن" عمل بدی است، می‌آورد:

"دکتر فیل می‌گوید که دادن انعام باعث کاهش عزت نفس می‌شود."

در بازسازی استدلال هلن نکات زیر را باید در نظر داشت:

نکته اول این‌که ما می‌دانیم دکتر فیل یک روانشناس ماهر است بنابراین حداقل این استدلال به‌طور ضمنی عقیده یک کارشناس را هم در خود دارد. علاوه بر این به نظر بدیهی می‌رسد که این استدلال منتهی به چه نتیجه‌ای می‌شود. هلن به‌طرف مقابلش باب می‌خواهد بگوید که کم شدن اعتماد به نفس پیامد بدی است که نتیجه پرداخت انعام است. بر اساس استدلال هلن از آنجایی که این نتیجه بد حاصل دادن انعام می‌باشد، بنابراین خود نفس عمل انعام دادن هم عمل بدی است. در نتیجه استدلال هلن، استدلالی ضمنی است. عموماً در استدلال آوری دلایل و استدلال‌ها یک‌به‌یک نیستند و هر استدلالی می‌تواند بیانگر تعدادی استدلال‌های ضمنی دیگر باشد که گفته نمی‌شوند. در این مرحله سعی ما در این است که این سلسله از استدلال‌ها را بازنمایی کنیم. بنابراین اینجا یک زنجیره از استدلال‌ها وجود دارد که بر اساس دو طرحواره به هم مرتبط شده‌اند. زنجیره این استدلال‌ها به‌صورت زیر می‌باشند:

#### ۱- استدلال عزت نفس

- دکتر فیل می‌گوید که دادن انعام سبب کاهش عزت نفس می‌شود
- انعام دادن باعث کاهش عزت نفس می‌شود
- کاهش عزت نفس عمل بدی است

#### ۲- استدلال مربوط به نتیجه

- هر عملی که پیامد منفی داشته باشد فی‌الذات عمل بدی است

#### ۳- نتیجه‌گیری کلی:

- انعام دادن عمل بدی است

اما این مکانیزم چطور عمل می‌کند و باعث می‌شود که ما ناخودآگاه پیش‌فرض‌های گفته نشده را در نظر بگیریم و با ارتباط دادن آن‌ها به یکدیگر نتیجه‌ای که مورد نظر هلن بود را درک کنیم.

آنچه که ما از آن بهره می‌گیریم همان طرحواره استدلال است که طبق (والتون ۱۹۹۸) به‌صورت زیر بیان می‌شود:

- فرض اصلی: منبع اطلاعات E در حوزه S کارشناس خبره‌ای است و موضوع A در این حوزه قرار دارد.
- فرض فرعی: منبع E اطلاعات تصریح می‌کند که موضوع A درست/غلط است
- نتیجه: A به‌طور ضمنی درست/غلط است

این طرحواره ما را به بازسازی استدلال هلن به‌وسیله روشن کردن پیش‌فرض‌های ضمنی‌ای که بیان نشده است، رهنمون می‌سازد. طرحواره‌ای که در اینجا مطرح می‌شود یک صورت ابطال‌پذیر از استدلال را بازنمایی می‌کند. شق دوم این استدلال بر اساس طرحواره استدلال مبتنی بر نتیجه به‌صورت زیر است:

- فرض اصلی: اگر یک عمل به پیامدهای بد منجر شود، آن عمل نباید واقع شود.
- فرض فرعی: اگر عمل A انجام شود سبب وقوع پیامدهای منفی می‌شود.



• نتیجه: عمل A نباید انجام شود.

ترکیب این دو طرحواره در شکل زیر آورده شده است (والتون ۲۰۰۳)

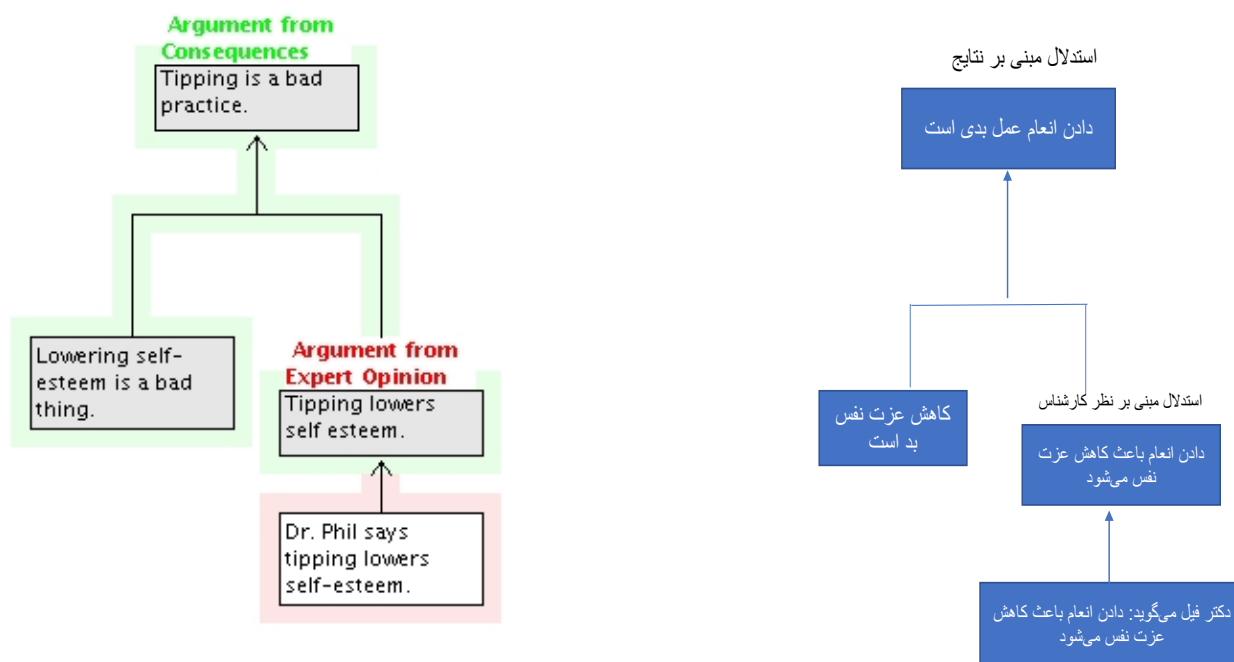


Figure 1

والتون با رسم چنین طرحواره‌هایی روند ارزیابی و نتیجه‌گیری‌های منطقی انسان را تصویرسازی می‌کند. با این روش چگونگی پذیرش یا عدم پذیرش عقاید مختلف در ذهن انسان و با کمک منطق صوری بیان می‌شود. در واقع به این وسیله فرایند چگونگی گرفتن تصمیم‌های منطقی بر اساس استدلال‌های مورد قبول واکاوی می‌شود و جزئیات آن مرحله به مرحله به نمایش درمی‌آید.

اما روند ارزیابی و مقبولیت این طرحواره‌ها و به طور کلی استدلال‌های مطرح در این سیستم توسط سؤالات انتقادی انجام می‌شود. والتون معتقد است پس از تحلیل استدلال‌ها بر اساس طرحواره‌های معرفی شده می‌توان به وسیله سؤالات منطقی‌ای که برای هر طرحواره تعیین شده است آن‌ها را ارزیابی کرد و تعیین نمود که آیا این استدلال قابلیت استناد را دارد یا خیر.

در مثالی که گذشت سؤالات انتقادی به صورت زیر آمده‌اند (والتون و دیگران، ۲۰۰۸: ۳۴۴).

CQ<sup>۱</sup>: *Expertise Question*: How credible is *E* as an expert source?

CQ<sup>۲</sup>: *Field Question*: Is *E* an expert in the field that *A* is in?

CQ<sup>۳</sup>: *Opinion Question*: What did *E* assert that implies *A*?

CQ<sup>۴</sup>: *Trustworthiness Question*: Is *E* personally reliable as a source?

CQ<sup>۵</sup>: Consistency Question: Is A consistent with what other experts assert?

CQ<sup>۶</sup>: Backup Evidence Question: Is E's assertion based on evidence?

- ۱- سوال در مورد کاشناس: E به چه میزان به عنوان منبع اطلاعاتی موثق و معتبر است؟
- ۲- سوال در مورد حوزه: آیا منبع E در همان حوزه‌ای مهارت دارد که موضوع A در آن قرار دارد؟
- ۳- سوال در مورد اظهار عقیده: E چه اظهار نظری کرده است که دلالت بر A داشته است؟
- ۴- سوال در مورد قابلیت اعتماد: آیا E شخصیت مورد اعتمادی به عنوان منبع اطلاعی می‌باشد؟
- ۵- سوال در مورد تضاد یابی: آیا موضوع A با نظر دیگر کارشناسان تضاد دارد؟
- ۶- سوال در مورد شواهد پشتیبان: آیا اظهار نظر E بر اساس مدارک و شواهد بیان شده است؟

در مدل پیشنهادی والتون، استدلالی موفق است که بتواند از عهده پاسخ به پرسش‌های انتقادی طرح شده موفق عمل کند. در واقع والتون در پایان معرفی هریک از این طرحواره‌ها تعدادی سؤال انتقادی نیز مطرح کرده است که بر اساس میزان درستی پاسخ‌ها به این سؤالات، هر استدلال را در چارچوب طرحواره مورد نظر می‌سنجد. این سؤالات ثابت هستند و همواره در پایان هر طرحواره معرفی شده‌اند. در مثال بالا اگر مخاطب بتواند در برابر سؤالات بالا قانع شود استدلال مطرح شده قابل قبول است و بنابراین ناگزیر باید نتیجه را نیز بپذیرد.

از سوی دیگر لاک (۲۰۱۱) نظریه طرحواره‌های استدلالی والتون را نقد می‌کند. از نظر لاک تمام نظریه‌هایی که تا به حال در مورد استدلال وجود داشته‌اند باید اصلاح شوند و بهتر است یک نظریه جدید در این زمینه معرفی شود زیرا تمامی آن‌ها برای ارزیابی دقیق استدلال‌ها ناکارآمد و نامناسب هستند. لاک عقیده دارد که استدلال را باید در حوزه کاربردشناختی بررسی کرد. این نظریه چارچوبی را در اختیار می‌گذارد که استدلال را به عنوان یک کنش گفتار پیچیده معرفی می‌کند. باین حال هنوز هم مدل والتون منبع ارزشمندی برای انواع پژوهش در حوزه استدلال می‌باشد. از جمله امتیازاتی که پژوهشگران را ترغیب به انتخاب این مدل می‌کند، دقیق بودن ارزیابی استدلال با معیارهای مشخص می‌باشد. در قسمت بعدی به بررسی تحدی چستی و چرایی آن می‌پردازیم و در انتها سعی می‌کنیم تا طرحواره استدلالی موجود در تحدی را در این چارچوب بررسی کنیم.

#### ۴. تحدی

تحدی در لغت به معنای به مبارزه طلبیدن می‌باشد و از (حدو، حداء، حدی) گرفته شده است. ابن منظور می‌گوید تحدی زمانی گفته می‌شود که با کسی در عملی مسابقه بدهی و منازعه نمایی تا بر او غلبه یافته و پیروز شوی. (ابن

منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۵۴؛ ر ک: ابن فارس، ۱۴۲۲). اما واژه تحدی در اصطلاح به طلب همانندآوری سخنی همچون قرآن گفته می‌شود که در پنج آیه از کل آیات قرآن آورده شده است.

پس از بعثت پیامبر و اعلام آن توسط حضرت رسول، تعداد کثیری از مردم در برابر ایشان قرار گرفتند و به مخالفت با ایشان پرداختند. یکی از دلایل مخالفت مشرکان عدم باور سخنان پیامبر و اصل پیامبری ایشان بیان شده است. مخالفان پیامبر اظهار می‌داشتند که قرآن نه تنها کلام خدا نیست بلکه اشعاری است که پیامبر در حالت جنون سروده است. درجایی دیگر می‌گویند این قرآن چیزی نیست جز افسانه‌های پیشینیان (اساطیرالاولین سوره انعام آیه ۲۵) و یا در سوره فرقان آیه ۴ می‌گویند محمد (ص) این سخنان را به دروغ به هم بافته است. همچنین در آیه دیگری آمده است که این دروغی دیرینه است (احقاف ۱۱) و از این دست سخنانی که در آیات دیگر هم آمده است و همگی نشان از عدم باور صدق دعوت پیامبر دارد. در چنین شرایطی است که خداوند در قرآن به کسانی که قرآن را فقط اشعاری از زبان حضرت محمد می‌پنداشتند می‌فرماید که اگر گمان می‌کنید این قرآن سخن بشری است جمع شوید و اگر می‌توانید یک آیه همانند آن را بیاورید. در واقع به زعم ایشان قرآن کلامی است که بیان آن توسط نوع بشر محال است و این ادعا با آیات تحدی به بوته آزمایش قرار می‌گیرد و با وجود تلاش‌های صورت گرفته توفیقی در این خصوص صورت نپذیرفته است.

تحدی در ابتدا به کل قرآن بود و بعد از آن به ده سوره محدود شد. به این معنی که اگر می‌توانید و راست می‌گویید ده سوره همانند قرآن بیاورید و سپس به یک سوره تقلیل یافت و بعد از آن گفته شد که شما نمی‌توانید حتی یک آیه همانند آیات قرآن بیاورید و یا حتی قول و حدیثی همانند کلام قرآن بیاورید. به این ترتیب مراحل این مبارزه طلبی از سخت به آسان طرح شده است. هرچند در مورد ترتیب نزول آیات اختلاف نظرهایی وجود دارد که در این پژوهش با توجه به اینکه در اصل نتایج حاصل از این کار تفاوتی ایجاد نمی‌شود، ترتیب زیر مد نظر قرار گرفته شده است. توضیحات مربوط به این بحث در پیوست قرار دارد. در زیر نص آیات تحدی همراه با ترجمه آنها را می‌آوریم:

#### ۴. ۱. آیات تحدی

۱. تحدی به کل قرآن:

قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (۸۸)

بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی

[دیگر] باشند. اسراء (۸۸)

۲. تحدی به ده سوره:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۳)

یا می‌گویند این [قرآن] را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می‌گویید ده سوره برساخته شده مانند آن بیاورید و غیر

از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید. هود (۱۳)

۳. تحدی به یک سوره:

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۳)

و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید پس اگر راست می گوئید سوره ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر خدا فرا خوانید. بقره (۲۳)

۴. تحدی به یک سوره

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتِطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

یا می گویند آن را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می گوئید سوره ای مانند آن بیاورید و هر که را جز خدا می توانید فرا خوانید. یونس (۳۸)

۵. تحدی به یک حدیث:

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (۳۴)

پس اگر راست می گویند سخنی مثل آن بیاورند. طور (۳۴)

در بررسی استدلال‌های موجود در تحدی و چرایی استفاده از این نوع استدلال توجه به زمان نزول آیات هم حائز اهمیت است (درباره زمان تقریبی نزول مجموع آیات تحدی اتفاق نظر وجود دارد)؛ چراکه این آیات دقیقاً در بازه زمانی سال‌های پایانی حضور پیامبر در مکه و اولین سال ورود ایشان به مدینه پس از هجرت نازل شده‌اند که هنوز دعوت پیامبر نوپا بوده است و حکومت اسلامی به‌طور کامل مستقر نشده است. در واقع با علنی شدن دعوت پیامبر و گسترش روزافزون پیروان ایشان مخالفان احساس خطر بیشتری کردند و با هر روشی از جمله زیر سؤال بردن اصالت الهی قرآن و صدق دعوی پیامبر، سعی در تخریب نبوت ایشان کردند که در مقابل برای خنثی نمودن این ادعاها و رفع هرگونه ابهامی آیات تحدی نازل می‌شود. به این ترتیب مشاهده می‌شود که تمامی آیاتی که تحدی دارند در سوره‌های مکی هستند مگر سوره بقره که اولین سوره‌ای است که در مدینه به پیامبر نازل شده است و این درست زمان اوج مخالفت مشرکان بوده است. ولی پس از آن و با استقرار حکومت اسلامی هنگامی که باورهای مردم مبنی بر صداقت پیامبر شکل گرفته است، بیشتر آیات به بیان احکام می‌پردازد و مخالفان هم به مخالفت‌های سیاسی (همچون جنگ‌های نظامی) روی آورده‌اند و دست از مخالفت‌های عقیدتی برداشته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد ابتدا با بیان این مبارزه‌طلبی به اثبات ناتوانی مشرکان پرداخته شده است تا حقانیت پیامبری برای همگان ثابت شود، اطمینان مردم جلب شده و ایمان بیاورند اما پس از آن دیگر جای تردیدی باقی نمانده است و مردم یا ایمان آورده‌اند و یا کلاً به دشمنی با آن حضرت پرداخته‌اند.

## ۴.۲. بررسی استدلال تحدی

در این بخش استدلال موجود در اسلوب تحدی را بررسی می‌کنیم و به مقایسه آن با طرحواره‌های استدلالی والتون می‌پردازیم. مطالعات صورت گرفته بر روی استدلال در تحدی نشان‌دهنده نوعی استدلال ارسطویی است. در منطق ارسطو، استدلال، فرم و صورت خاصی دارد و شامل مقدمات و نتیجه‌گیری می‌شود. مقدمات همان صغری و کبری و یا به عبارتی دیگر همان مقدم و تالی می‌باشند (غروی، ۱۳۷۸). به عنوان مثال:

مقدم: روزهای برفی مدارس تعطیل می‌شوند.

تالی: اگر شنبه برف بیارد مدارس تعطیل می‌شوند.

(چون تالی باطل است: شنبه با وجود برف مدارس تعطیل نشدند، بنابراین مقدم هم باطل است)

نتیجه: روزهای برفی مدارس تعطیل نمی‌شوند.

می‌توان گفت که فرم استدلال در تحدی نیز به همین منوال است. به این معنا که دارای مقدم، تالی و سپس نتیجه‌گیری است. این نوع استدلال مشتمل بر قیاس و برهان است که مقدم، تالی و نتیجه‌گیری آن به صورت زیر است:

مقدم: قرآن کلام بشر است

تالی: اگر قرآن کلامی بشری است پس باید بتوانید باز هم همانند آن را بیاورید.

(چون تالی باطل است: تاکنون نتوانسته اید کلامی مانند قرآن را بیاورید، بنابراین مقدم هم باطل است)

نتیجه: قرآن کلام بشر نیست.

از طرفی گفته می‌شود که این نوع منطقی که در تحدی وجود دارد بر اساس قاعده تماثل ساخته شده است. قاعده تماثل به توانایی افراد یک گروه با ویژگی‌های خاص اشاره دارد. یعنی اگر به طور مثال بشری از عهده‌ی کاری برآمده است بنابراین دیگر ابنا بشر نیز توان انجام آن را دارند (جوادی آملی ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۶۱).

در قاعده تماثل بر شباهت ویژگی‌های اعضای یک گروه تأکید شده است. به این ترتیب عضو بودن در یک گروه مقید به داشتن برخی از ویژگی‌های خاص شده است. به عنوان مثال اعضای گروه پستانداران خصوصیات خاصی دارند که میان همگی مشترک است. بنابراین برای اینکه جاندار را عضو این مجموعه بدانیم باید دارای این خصوصیات باشد.

اکنون برای بررسی بهتر، این الگوی استدلالی را با طرحواره‌های پیشنهادی والتون ۲۰۰۸ مقایسه می‌کنیم. پس از مقایسه دقیق مشخص می‌شود که نزدیک‌ترین طرحواره‌ای که با این الگو یعنی قاعده تماثل وجود دارد، طرحواره شماره ۱۴ می‌باشد:

پیش فرض فردی:  $a$  دارای ویژگی  $F$  است.<sup>۱۸</sup>

پیش فرض طبقه بندی: برای تمامی  $x$ ها، اگر  $x$  دارای ویژگی  $F$  باشد، پس می‌تواند در طبقه‌ای باشد

<sup>۱۸</sup> متن اصلی در توضیحات آورده شده است.

که اعضای آن دارای ویژگی  $G$  هستند.  
 نتیجه گیری:  $a$  دارای ویژگی  $G$  می‌باشد.  
 منظور این است که لزوم و پیش شرط داشتن ویژگی  $F$  داشتن ویژگی  $G$  می‌باشد. این مطلب را با مثالی روشن‌تر می‌کنیم:

پیش فرض فردی:  $a$  مادر است.

پیش فرض طبقه‌بندی: برای تمامی انسان‌ها، اگر هر انسانی، مادر باشد، پس می‌تواند در طبقه‌ای باشد که اعضای آن زن هستند.

نتیجه‌گیری:  $a$  زن می‌باشد.

در این مرحله لازم است میان طرحواره شماره ۱۴ و قاعده تمائل از راه انطباق فرضیات و نتایج مقایسه دقیق‌تری صورت بگیرد بنابراین شاید بتوان طرحواره فوق را به صورت زیر با فرض‌های قاعده تمائل همراه با موضوع تحدی نشان داد:

پیش فرض فردی: محمد(ص) قادر به گفتن کلام قرآن می‌باشد.

پیش فرض طبقه‌بندی: هر انسانی که کلامی مانند قرآن بیافریند (فرضاً) در گروه فرهیختگان قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: محمد(ص) فرهیخته است.

با مقایسه این طرحواره با قاعده تمائل تفاوت میان آن‌ها مشاهده می‌شود. چنانچه گفته شد قاعده تمائل بیان می‌کند که اگر یکی از اعضای یک گروه ویژگی خاصی داشته باشند (مثلاً بتواند سخنانی همچون قرآن بیاورد) بنابراین حداقل یکی دیگر از اعضای آن گروه هم قادر به انجام آن خواهند بود. برای مقایسه هرچه بهتر، این قاعده را همچون طرحواره‌های مطرح شده به ترتیب زیر می‌آوریم:

پیش فرض اول:  $X$  یکی از اعضای گروه  $M$  است

پیش فرض دوم:  $X$  دارای قابلیت  $Q$  است

پیش فرض سوم: مجموعه  $(x-x^1-x^2 \dots x^i)$  اعضای گروه  $M$  هستند

نتیجه‌گیری:  $x^i$  دارای قابلیت  $Q$  است

فرض اول: محمد(ص) یکی از اعضای گروه انسان‌ها است.

فرض دوم: محمد(ص) کلام قرآن را آورده است.

نتیجه: هر انسانی می‌تواند کلامی مثل قرآن بیاورد.

با کمی دقت متوجه تفاوت این دو نوع طرحواره خواهیم شد. مراتب فرض‌های این دو طرحواره با هم متفاوت هستند و طبیعتاً بر اساس فرض‌های مختلف، نتایج متفاوتی هم حاصل می‌شود. بنابراین انطباق قاعده تمائل با طرحواره شماره ۱۴ مردود است.

بعلاوه به نظر می‌رسد، تحدی مراحل گسترده‌تری داشته باشد. آنچه جالب توجه است این است که در تحدی عجز انسان در همانندآوری قرآن به‌عنوان استدلال حقانیت پیامبر قلمداد شده است. به این مفهوم که ناتوانی انسان‌ها در آوردن سخنانی همانند قرآن نشانه‌ی الهی بودن آن محسوب شده است و آن را به‌عنوان معجزه معرفی کرده است. همان‌طور که می‌دانیم معجزه در حقیقت، انجام کاری است که خرق عادت باشد و از محدوده‌ی توانایی انسان خارج باشد لکن با کمک خداوند که قدرت مافوق بشری دارد، تحقق می‌یابد. در نتیجه این گونه استدلال‌هایی که در آیات تحدی بیان می‌شوند در حقیقت در پی اثبات آن است که قرآن معجزه است و نه تنها هیچ بشری بلکه خود حضرت محمد(ص) نیز به تنهایی و بدون کمک خداوند قادر به انجام آن نیست. مطالعات بیشتر بروی استدلال تحدی باعث روشن شدن جزئیات و مراحل شکل‌گیری تحدی می‌شود. طرح تحدی را می‌توان به‌صورت مرحله به مرحله مطابق صورت زیر خلاصه کرد:

۱. ادعای پیامبر مبنی بر الهی بودن سخنان قرآن
  ۲. نفی و انکار مخاطبان
  ۳. ادعای مخاطبان مبنی بر اینکه قرآن کلام خود پیامبر است
  ۴. دعوت به مبارزه از طرف خداوند به همانندآوری قرآن (با توجه به ادعای مخالفان به انسانی بودن قرآن)
  ۵. انجام نشدن فرایند همانندآوری
  ۶. نتیجه: قرآن سخنی الهی است
- طرح این استدلال در شکل زیر مشاهده می‌شود:



چنین استدلالی مختص اصطلاح تحدی در همان معنای طرح شده می‌باشد اما می‌توانند به صورت کلی تر در مورد

اطمینان به محق بودن در ادعای انجام کاری به صورت انحصاری و اثبات عجز طرف مقابل از انجام آن بیان شود:

- ۱- شخص عمل  $q$  را انجام داده است.
- ۲- ادعای شخص  $a$  در مورد اینکه هیچ فرد دیگری توانایی انجام عملی مشابه  $q$  را ندارد.

- ۳- انکار مخالفان
- ۴- ادعای مخالفان مبنی بر توانایی انجام عمل q
- ۵- دعوت به مبارزه و همانندآوری توسط a
- ۶- انجام نشدن پروسه همانندآوری
- ۷- نتیجه: صحت ادعای شخص a

از آنجایی که چنین طرحواره ای در انواع پیشنهادی والتون یافت نشد بنابراین به نظر می‌رسد بتوان این نوع جدید از طرحواره را به مدل پیشنهادی والتون نیز اضافه کرد.

اما در مورد سؤالات انتقادی در این زمینه سؤالات زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- سابقه اخلاقی فرد a چگونه است؟ آیا این فرد، به‌عنوان فردی صادق مشهور است؟
- ۲- آیا عمل مورد ادعا سابقه دارد؟ آیا تا به حال کس دیگری توانسته چنین کاری را انجام دهد؟
- در مورد تحدی در قرآن به صورت خاص پاسخ به سؤالات انتقادی به ترتیب زیر می‌باشد:

پاسخ سؤال اول: در مورد صداقت حضرت محمد چه پیش از بعثت و چه پس از آن، اسناد فراوانی وجود دارد که همگی در تأیید این موضوع هست تا جایی که بنا بر نقل قول تاریخ نویسان ایشان به محمدامین شهره بودند (طباطبایی، ۱۳۸۵)<sup>۱۹</sup>.

پاسخ سؤال دوم: این ادعای بدون پاسخ در مورد الهی بودن کتاب دینی تا به حال صورت نپذیرفته است و تمام تلاش‌هایی که تا به امروز توسط افراد مختلف در این باره صورت گرفته منجر به شکست شده است (معرفت ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۲۸ و ۲۵۷).

#### نتیجه

در این پژوهش به بررسی استدلال موجود در آیات تحدی با تکیه بر طرحواره‌های استدلالی پرداختیم. آیات تحدی به پنج آیه از آیه‌های قرآن گفته می‌شود که در جواب افرادی آمده است که قرآن را به شخص خود پیامبر نسبت می‌دادند و الهی بودن آن را انکار می‌کردند. در این آیات آمده است که اگر راست می‌گویند که این سخنی انسانی است و مافوق بشری نیست پس مانند آن را بیاورید. به این ترتیب چون هرگز چنین اتفاقی نیفتاده است و کسی نتوانسته است همانند قرآن کلامی بیاورد بنابراین طبق این استدلال معجزه بودن قرآن ثابت می‌شود.

در ادامه به بررسی مطالعات صورت گرفته بر روی استدلال و استدلال‌ورزی پرداختیم و طرحواره‌های استدلالی والتون را معرفی کردیم. این طرحواره‌ها در طی سال‌ها مطالعه و جمع‌آوری انواع استدلال‌های روزمره و حتی تخصصی و وابسته به بافت معرفی شده‌اند. به این معنی که برای هر استدلال مورد استفاده یک طرحواره ایجاد شده است که نشان دهنده انواع فرض‌ها و پیش‌فرض‌هایی است که چه آشکارا و چه به صورت نهفته در یک استدلال وجود دارد تا در نهایت به یک نتیجه‌ی خاص برسد. در این مدل پس از بیان هر طرحواره چند سؤال انتقادی مطرح شده است که میزان بسنده بودن

<sup>۱۹</sup> در مورد صداقت حضرت محمد (قبل و بعد از بعثت) منابع متعددی وجود دارد که بعضی از آنها در فهرست منابع درج شده است.



هر استدلال به پاسخ این سؤالات وابسته شده است. به این مفهوم که هرگاه استدلالی بتواند پاسخ سؤالات انتقادی خود را به صورت قانع‌کننده بدهد بنابراین چنین استدلالی منطقی و قابل قبول است. این سؤالات برای هر یک از طرحواره‌ها ثابت هستند. در این روش نشان داده شد که مراحل استدلال منطقی چگونه صورت می‌گیرند و به این ترتیب مفروضاتی که بیان نمی‌شوند نیز نمایان می‌شوند.

بررسی‌های صورت گرفته بر روی تحدی که طبق چارچوب گفته شده صورت پذیرفت جزئیات و مراحل طرح تحدی را به صورت زیر مشخص ساخت:

۱- ادعای پیامبر مبنی بر الهی بودن سخنان قرآن ۲- نفی و انکار مخاطبان ۳- ادعای مخاطبان مبنی بر اینکه قرآن کلام خود پیامبر است ۴- دعوت به مبارزه از طرف خداوند به همانند آوری قرآن (با توجه به ادعای مخالفان به انسانی بودن قرآن) ۵- انجام نشدن فرایند همانندآوری ۶- نتیجه: قرآن سخنی الهی است

بنابراین طبق این استدلال قرآن کلام خداوند است و توانایی تولید چنین کلامی در انحصار خداوند است و بس، در نتیجه هیچ بشری از جمله شخص حضرت رسول هم قادر به گفتن چنین کلامی بدون کمک خداوند نیست چه بسا بر اساس این نوع استدلال اگر غیر از این بود باید شهرت کتاب‌هایی که مخالفین اسلام در این مبارزه طلبی تا به حال منتشر کرده بودند، همچون قرآن جهانی می‌شد. با مطالعات صورت گرفته در این پژوهش چنین الگوی استدلالی را که از اطمینان به حقیقت به نوعی مبارزه طلبی بی پاسخ منجر می‌شود در طرحواره‌های والتون ۲۰۰۸ نیافتیم. بنابراین این الگوی جدید را به صورت طرحواره‌ای جدید و مطابق با چارچوب والتون ۲۰۰۸ طراحی و معرفی کردیم.

در این طرحواره اصل بر اطمینان از ادعایی است که عملی منحصر به فرد توسط فردی خاص انجام می‌شود و براساس این اطمینان مخالفان به مبارزه فراخوانده می‌شوند. هدف از این مبارزه طلبی اثبات عجز مخالفان در انجام این عمل و اثبات انحصاری بودن انجام عمل مورد نظر است و صدق این ادعا با پیروزی در این مبارزه طلبی اثبات می‌شود که الگوی آن به ترتیب زیر می‌باشد:

۱- شخص  $a$  عمل  $q$  را انجام داده است.

۲- ادعای شخص  $a$  در مورد اینکه هیچ فرد دیگری توانایی انجام عملی مشابه  $q$  را ندارد.

۳- انکار مخالفان

۴- ادعای مخالفان مبنی بر توانایی انجام عمل  $q$  یا مشابه آن

۵- دعوت به مبارزه و همانندآوری توسط  $a$

۶- انجام نشدن پروسه همانندآوری

۷- نتیجه: صحت ادعای  $a$  در مورد انحصار انجام عمل  $q$

طبق اصول والتون ۲۰۰۸ برای درستی آزمایی این طرحواره سؤالات انتقادی‌ای هم پیرو این طرحواره پیشنهاد شد که به قرار زیر می‌باشد:

۱- سابقه اخلاقی فرد  $a$  چگونه است؟ آیا این فرد، به عنوان فردی صادق مشهور است؟

۲- آیا عمل مورد ادعا سابقه دارد؟ آیا تا به حال کسی دیگری توانسته چنین موردی را انجام دهد؟ در پایان، این طرحواره همراه با سؤالات انتقادی مطرح شده به عنوان طرحواره شصت و یکم به این چارچوب پیشنهاد شد.  
توضیحات

۱- جدول لاتین طرحواره های استدلال

1. Argument from Position to Know	2. AF Expert Opinion
3. AF Witness Testimony	4. AF Popular Opinion (and Subtypes)
5. AF Popular Practice	6. AF Example
7. AF Analogy	8. Practical Reasoning from Analogy
9. AF Composition	10. AF Division
11. AF Oppositions	12. Rhetorical Argument from Oppositions
13. AF Alternatives	14. AF Verbal Classification
15. AF Definition to Verbal Classification	16. AF Vagueness of a Verbal Classification
17. AF Arbitrariness of a Verbal Classification	18. AF Interaction of Act and Person
19. AF Values	20. AF Sacrifice
21. AF the Group and Its Members	22. Practical Reasoning
23. Two-Person Practical Reasoning	24. AF Waste
25. AF Sunk Costs	26. AF Ignorance
27. Epistemic AF Ignorance	28. AF Cause to Effect
29. AF Correlation to Cause	30. AF Sign
31. Abductive Argumentation Scheme	32. AF Evidence to Hypothesis
33. AF Consequences	34. Pragmatic AF Alternatives
35. AF Threat	36. AF Fear Appeal
37. AF Danger Appeal	38. AF Need for Help
39. AF Distress	40. AF Commitment
41. Ethotic Argument	42. Generic Ad Hominem
43. Pragmatic Inconsistency	44. AF Inconsistent Commitment
45. Circumstantial Ad Hominem	46. AF Bias
47. Bias Ad Hominem	48. AF Gradualism
49. Slippery Slope Argument	50. Precedent Slippery Slope Argument
51. Sorites Slippery Slope Argument	52. Verbal Slippery Slope Argument
53. Full Slippery Slope Argument	54. AF Constitutive-Rule Claims
55. AF Rules	56. Argument for an Exceptional Case
57. AF Precedent	58. AF Plea for Excuse
59. AF Perception	60. AF Memory

۲- در مورد ترتیب نزول آیات قرآن و در این مبحث آیات مربوط به تحدی بحث‌های بسیاری وجود دارد. بیشتر قرآن‌پژوهان ترتیب گفته شده در متن را (تحدی از مشکل به آسان) پذیرفته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۰). طبق این دیدگاه، قرآن در آغاز از بشر می‌خواهد تا همانند کل قرآن را بیاورد. پس از آنکه عجز از هم‌وردی کل

قرآن اثبات شد، تخفیف می‌دهد و از بشر می‌خواهد همانند ده سوره قرآن را بیاورد. در مرحله سوم وقتی عجز بشر از آوردن ده سوره نیز اثبات شد، به یک سوره همانند سوره‌های قرآن تحدی می‌کند. به، این ترتیب قرآن در سه مرحله و از شدیدتر به آسان‌تر تحدی نموده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲ ص ۲۷۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۸۳؛ شیخ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۳۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۳۰ و مکارم شیرازی، بیتا، ج ۹: ۴۳: ۴۳....). اما به نظر می‌رسد این نکته در ترتیب نزول سوره‌ها مشکل ایجاد می‌کند چون سوره‌ی هود مکی و بقره مدنی است و بنابراین ترتیب گفته شده رعایت نمی‌شود. در پاسخ به این مشکل عده‌ای از قرآن‌پژوهان آیات تحدی را از این ترتیب بندی سوره‌ها جدا کرده‌اند که بر طبق این دیدگاه که رشیدرضا و علامه طباطبایی در تفسیرشان از برخی مفسران نقل کرده‌اند، تمام سوره یونس قبل از سوره هود نازل شده، ولی استثنائاً آیه تحدی سوره یونس، پس از سوره هود نازل شده است یا پیامبر به دستور خدا موظف بوده است آیه تحدی را پس از سوره هود برای مردم تلاوت کند تا تحدی از دشوارتر به آسان‌تر تأمین شود (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۱؛ رشیدرضا، ۱۹۷۳، م، ج ۱۲، ص ۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۰، ص ۶۴)

اما طبق نظر مصباح یزدی در آیه تحدی سوره هود منظور از آوردن ده سوره همانند قرآن باهم نیست. بلکه منظور این است که اگر می‌توانید ده سوره خواسته شده که هر یک باید یکی از ویژگی‌های یک سوره از قرآن را داشته باشند و این آسان‌تر از مرحله دوم تحدی (تحدی به یک سوره‌ی کامل با ویژگی‌های کامل آن) خواهد بود. بنابراین ترتیب سختی به آسانی آیات تحدی حفظ می‌شود (ر.ک، مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۱۶۸).

۳- متن اصلی طرحواره شماره ۱۴:

۱۴. argument from verbal classification

*Individual Premise:* *a* has property *F*.

*Classification Premise:* For all *x*, if *x* has property *F*, then *x* can be classified as having property *G*.

*Conclusion:* *a* has property *G*.

Critical Questions:

CQ<sup>۱</sup>: What evidence is there that *a* definitely has property *F*, as opposed to evidence indicating room for doubt about whether it should be so classified?

CQ<sup>۲</sup>: Is the verbal classification in the classification premise based merely on an assumption about word usage that is subject to doubt?

References

Douglas Walton, *Fundamentals of Critical Argumentation*. Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۰۶, p. ۱۲۹.

## کتابنامه

۱. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظمی*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن منظور، جمال الدین محمد. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دارالصادر.
۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۶). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۵. رشیدرضا، محمد. (۱۹۷۳). *تفسیر القرآن الحکیم (المنار)*. ط ۲. بیروت: دار المعرفه.
۶. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). *الکشا، ط ۳*. بیروت: دار الکتب العربی.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۵). *سنن النبی؛ راه و رسم زندگی پیامبر اکرم* ترجمه محمد هادی فقهی. تهران: نشر مؤمنی.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۹). *قرآن در اسلام*. چاپ نهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمد باقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۹). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. غروی، محسن. (۱۳۷۸). *آموزش منطق*. چاپ یازدهم، قم: دارالعلم.
۱۲. قمی، شیخ عباس (۱۳۸۶). *سیره و صفات پیامبر اعظم*. ترجمه لطیف راشدی. تهران: بین الملل.
۱۳. کانوی، دیویدا؛ راندل، مانسون (بی تا)، *مبانی استدلال*. ترجمه: تورج قانونی. تهران: ققنوس.
۱۴. کلی، دیوید. (۱۳۸۷). *هنر استدلال با منطق نمادین*. ترجمه امیر غلامی. قم: تبیان.
۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۷). *قرآن شناسی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). *سیری در سیره نبوی*. چاپ بیست و سوم. تهران: انتشارات صدرا.
۱۷. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۶). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. مگی، برایان. (۱۳۹۲). *سرگذشت فلسفه*. ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر نی.
۲۰. سلطانی بیرامی، اسماعیل. (۱۳۹۱). *راز تحدی های گوناگون قرآن از منظر استاد مصباح*. قرآن شناخت، ۲، ۸۵-۱۰۸.
۲۱. کفاش زاده، علی، ناظری، حسین، عرب، عباس. (۱۳۹۹). «بازخوانی ترجمه فارسی عبارت قرآنی «نفخت فی من روحی» (حجر: ۲۹) با تکیه بر کارکرد استعاره واژه «نفخت»». *مجله زبان و ادبیات عربی*. سال دوازدهم. شماره ۲. صص ۹۷-۱۱۱.
۲۲. اعتباری، زهرا (۱۳۹۲) «نظریه استدلال ورزی در تحلیل گفتمان انتقادی». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.

۲۳. Aristotle, trans. E. S. Forster. (۱۹۲۸). *On Sophistical Refutations*. Loeb Classical Library. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.

۲۴. Baker, P. & Ellege, S. (۲۰۱۱). *Key terms in discourse analysis*. London: Continuum.

۲۵. Barth, E. M. & Krabbe, E. C. W. (۱۹۸۲). *From axiom to dialogue: A philosophical study of logics and argumentation*. Berlin; New York: Walter De Gruyter.

۲۶. Blair, J. A. (۲۰۱۲). *Ground works in the Theory of Argumentation*. London: Springer.
۲۷. Eemeren, F.H. van. (۲۰۰۱). *Crucial concepts in argumentation theory*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
۲۸. Eemeren, F. H. van, Grootendorst, R., & Henkemans, A. F. S. (۲۰۰۲). *Argumentation: Analysis, Evaluation, presentation*. London: LEA.
- in Austronesian languages. *Natural Language and Linguistic Theory*, ۱۰, ۳۷۵-۴۱۴.
۲۸. Eemeren, F. H. van, & Grootendorst, R. (۲۰۰۴). *A systematic theory of argumentation: The pragma-dialectical approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
۲۹. Van Eemeren, F. H., Houtlosser, P., & Henkemans, A. F. S. (۲۰۰۷). *Argumentative indicators in discourse: A pragma-dialectical study*. Netherland: Springer. ۱۲۸
۳۰. Eemeren, F.H. van, Houtlosser, P., Ihnen, C. & Lewiński, M. (۲۰۱۰). "Contextual considerations in the evaluation of argumentation". In C. Reed & C.W. Tindale (Eds.), *Dialectics, dialogue and argumentation: An examination of Douglas Walton's theories of reasoning and argument*. (pp. ۱۱۵-۱۳۲). London: College Publications.
۳۱. Luque, L. B. (۲۰۱۱). *Giving reasons: A linguistic-pragmatic approach to Argumentation Theory*. London: Springer.
۳۲. Perelman, Ch., & Olbrechts-Tyteca, L. (۱۹۵۸). *La nouvelle rhétorique: Traité de l'argumentation*. Paris: Presses Universitaires de France.
۳۳. Rodinson, Maxime (۲۰۰۲). *Muhammad: Prophet of Islam*. Tauris Parke Paperbacks. ISBN ۱-۸۶۰۶۴-۸۲۷-
۳۴. Toulmin, S. E. (۱۹۵۸). *The uses of argument*. Cambridge: Cambridge University Press.
۳۵. Walton, D. N. (۱۹۸۹). *Informal logic: A handbook for critical argumentation*. Cambridge: Cambridge University Press.
۳۶. Walton, D. N. (۱۹۹۶). *Argumentation schemes for presumptive reasoning*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
۳۷. Walton, D. N., Reed, C. (۲۰۰۱). "Applications of Argumentation Schemes". In Citeseerx. Retrived from  
<<http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=۱۰.۱.۱.۹۷.۴۷۹۱&rep=rep۱&type=pdf>>.

۳۸. Walton, D. (۲۰۰۶). *Fundamentals of argumentation theory*. Cambridge: Cambridge University Press. ۱۳۰
۳۹. Walton, D. (۲۰۰۷a). *Dialogue theory for critical argumentation*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
۴۰. Walton, D. (۲۰۰۷b). *Media argumentation: Dialectic, persuasion, and rhetoric*. Cambridge: Cambridge University Press.
۴۱. Walton, D. N. (۱۹۹۶). *Argumentation schemes for presumptive reasoning*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
۴۲. Walton, D. N., Reed, C. (۲۰۰۱). "Applications of Argumentation Schemes". In CiteSeerX. Retrieved from <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.97.4791&rep=rep1&type=pdf>.
۴۳. Walton, D. N., Reed, C., Macagno, F. (۲۰۰۸). *Argumentation Schemes*. United States of America: Cambridge University Press